

نقش اقلیت‌های دینی در حیات اقتصادی عهد آل بویه

فاطمه اروچی^۱

ناصر صدقی^۲

اکبر کاظم‌زاده^۳

چکیده

در مقاله حاضر تلاش می‌شود زمینه مشارکت و سهم اقلیت‌های دینی مسیحی، یهودی، زرتشتی و صابئی در فعالیت‌های اقتصادی این دوره در ابعاد تجارت و بازرگانی، مالکیت و زمینداری و صناعت و حرفه‌های کارگاهی نشان داده شود. با توجه به سیاست تساهل و تسامح دینی امرای آل بویه نسبت به اقلیت‌های دینی، به نظر می‌رسد، نقش و جایگاه و میزان مشارکت و کامیابی اقلیت‌های دینی در این عرصه، نسبت به دوره‌های قبل و بعد این دوره، مطلوب بوده باشد. به طوری که برخی از آنها توانستند با تشویق و حمایت امرا و وزرای آل بویه در بخش‌های مختلف، از جمله عرصه اقتصادی، نقش و مشارکت داشته باشند. بررسی‌ها نشان داد که عرصه فعالیت‌های اقتصادی اقلیت‌های دینی غیر مسلمان در این دوره یکسان نبوده و هر یک در ارتباط با شرایط تاریخی و موقعیت اجتماعی که داشتند در زمینه‌های متفاوت فعال بودند. یهودیان و مسیحیان، بیشتر در شهرها اقامت داشتند و در زمینه‌هایی چون کسب و تجارت، فعالیت‌های پیشه‌وری و صرافیه، رسیدگی به امور مالیاتی و حسابرسی‌های مالی مربوط به تجارت و بازرگانی از طرف حکومت فعالیت می‌کردند. در حالیکه زرتشتیان به عنوان بازماندگان جامعه دینی ایران قبل از اسلام

1- استادیار تاریخ دانشگاه تبریز
forouji@tabrizu.ac.ir

2- دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز
n_sedghi@tabrizu.ac.ir

3- دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز
akbarkazemzadeh54@yahoo.com

۱ - استادیار تاریخ دانشگاه تبریز

۲ - دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز

۳ - دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز

به علت اقامت در ایالات و نواحی و به جهت همان نقش و جایگاهی که در عرصه مالکیت و زمینداری داشتند، بیشتر در فعالیتهای اقتصادی مرتبط با ملک و زمین و رسیدگی به امور مالیاتی مربوط به چنین عرصه‌ای از طرف حکومت مشارکت داشتند. در حالی که صائیان در حرفه‌های مربوط به صناعت و پیشه‌های کارگاهی چون کارهای دستی و هنرهای ظریف مربوط به ساخت زیور آلات طلا و نقره زنانه و مردانه، فلزکاری و میناکاری اشتغال داشتند، و به نوعی حاملان و گسترش دهندگان چنین صنایع و هنرهایی در جامعه اسلامی بودند.

واژه‌های کلیدی: آل بویه، مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان، صائیان، فعالیتهای اقتصادی.

مقدمه

دوره آل بویه نسبت به ادوار قبل، به خاطر شرایط سیاسی و اداری حاکم (تساهل و تسامح مذهبی)، شاهد بهبود نسبی وضعیت اقلیت‌های دینی در برخی از عرصه‌ها هستیم، که در شرایط و موقعیتهای مختلف این دوره به شکل‌های یکسان نبوده است. دولت آل بویه زمانی که به ثبات سیاسی و امنیتی دست یافت (بعد از امیر الامرای رکن الدوله و به ویژه عضدالدوله)؛ شرایط و بسترهای بسیار مناسبی در عرصه‌های مختلف برای قشرهای مختلف از جمله برای اقلیت‌های دینی که به نوعی میتوان گفت عاملان و مشوقان اصلی در بیشتر زمینه‌ها خود امرا و وزرای آنان بودند، به همراه داشت. تلاش‌ها و مساعی آنها در ایجاد امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی (اوزان واحد پولی و معاملات، و ...)، منجر به رشد و پیشرفت نسبی در برخی از زمینه‌ها (به خصوص در زمینه‌های علمی و فرهنگی، عمرانی و اقتصادی) گردید. بعد از دوره آل بویه، باز این روند برای آنها (اقلیت‌ها) محدودتر شد. به طوری که به مانند قرون اول و دوم هجری در زمینه‌هایی که در بالا ذکر شد در برخی عرصه‌ها با محدودیت و در برخی با عدم محدودیت مواجه بوده که به عنوان عامل مشترک برای آنان به صورت کم و زیاد تا دوره‌های بعد نیز تکرار شده است (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۳/۶۴۴؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵/۳۹۹، ۴۰۸؛ کمبریج، ۱۳۸۷: ج ۴/۲۷۴). به لحاظ اجتماعی شایان ذکر است که بعد از ورود اسلام به ایران اقلیت‌های دینی در قالب اهل

کتاب باید به حکومت اسلامی جزیه^۱ می‌پرداختند تا خود را محفوظ بدارند. با پرداخت جزیه، اهل ذمه تحت حمایت دولت اسلامی قرار گرفته از آزادی مذهبی برخوردار می‌شدند. در پرداخت جزیه توانایی مالی افراد در نظر گرفته می‌شد. از طبقه پایین دوازده درهم، طبقه میانه بیست و چهار درهم و طبقه بالا چهل و هشت درهم در سال؛ و در مناطقی که پول طلاء رایج بود به ترتیب یک، دو و سه دینار اخذ می‌شد. این جزیه مانند مالیاتی بود که در ازای معافیت اهل کتاب از خدمت نظام از آنها گرفته می‌شد. ضعیفان، آسیب دیدگان، تارکان دنیا و صومعه نشینان غیرثروتمند از پرداخت آن معاف بودند (متز، ۱۳۶۴: ج ۱/ ۱۳۲). در سده سوم و چهارم هجری (نهم و دهم میلادی)، اقتصاد پولی پیشرفته و شبکه حمل و نقل قدیمی خوب ساخته شده، مجدداً منجر به شکوفایی مراکز بزرگ تجاری و ایجاد انبارهای عمده شد، که تا حدودی در دوره پیش از اسلام از اهمیت شان کاسته شده بود و اکنون به علت افزایش دارایی قشر حاکمه سرعت توسعه می‌یافت (اشپولر، ۱۳۶۹: ج ۲/ ۲۲۳). یکی از حکومت‌هایی که در اقتصاد پولی این دوره نقش بارزی ایفا نمود آل بویه بود که باعث پیشرفت اقتصادی (لااقل به صورت نسبی) در کوتاه مدت گردید.

هر چند تاکنون مطالعات و پژوهش‌هایی در رابطه با اقلیت‌های دینی صورت گرفته؛ اما به نقش و جایگاه و فعالیت‌های اقتصادی آنها در دوره اسلامی به ویژه آل بویه کمتر پرداخته شده است. دولت آل بویه به عنوان اولین قدرت مستقل شیعی بعد از اسلام، تقریباً به مدت بیش از یک قرن در سه حوزه جغرافیایی مختلف (مرکز - غرب، جنوب ایران و عراق عرب)، حکمرانی کردند. امرای آل بویه از ابتدا سعی کردند از تعصب مذهبی نسبت به دیگر ادیان مذهبی و حتی در قبال سنی‌ها خوداری نمایند. این امر به نوبه خود سبب شد تا عده‌ای از آنها که در خارج از قلمرو دولت آل بویه بودند به قلمرو آنها روی آورده و با هم کیشانی که از قرن‌ها قبل در بیشتر نقاط ایران و عراق عرب به صورت پراکنده می‌زیستند، جمعیت قابل ملاحظه‌ای را تشکیل بدهند. البته ناگفته نماند که محل سکونت آنها، بیشتر بسته به نقش و فعالیت شان (به شکل متفاوت) که ریشه در عقاید، باورها و سنت‌ها، سوابق

۱- سرانه و مالیاتی که اهل ذمه می‌پرداختند.

تاریخی و موقعیت‌های اجتماعی شان داشته، بر می‌گردد. مثلاً زرتشتیان بیشتر در ایالات، نواحی و روستاها؛ یهودیان و مسیحیان بیشترشان در شهرها و در اطراف بنادر و شاهراههای تجاری و صابئیان بیشترشان در منطقه خوزستان در کنار رود کارون متمرکز شده بودند. بنابر آن چه که گفته شد، این پرسش در این جا مطرح می‌شود که در قبال سیاست تساهل و تسامح مذهبی آل بویه، اقلیت‌های مذهبی در عرصه اقتصادی، چه نقش و جایگاهی را توانستند به دست آورند؟ نقش و مشارکت و کامیابی و دست آوردهای شان در بخش‌های مختلف این عرصه، با توجه به مهارت شان به چه میزان بوده است؟

الف: نقش یهودیان و مسیحیان در تجارت و بازرگانی

۱- یهودیان

اقلیت‌های دینی این دوره به غیر از صابئیان در اغلب نقاط ایران، به صورت پراکنده می‌زیستند. از منابع چنین بر می‌آید که یهودیان در برخی از شهرها جمعیت قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند و در برخی از شهرها تعداد زیادی کنیسه داشته‌اند. غیر از کوچ نشینان یهودی که از سالیان قبل در ایران در مناطقی از اهواز و همدان بسیار بودند، در بلاد فارس که با تجارت بندر سیراف و دریای هند مربوط می‌شد و در خراسان و قهستان که بر سر راه بازرگانی چین و هند واقع بود نیز تعداد شان قابل ملاحظه به نظر می‌رسید. یهودیان در اصفهان محله مختص خود داشتند که به اسم جهودانک (یهودیه) خوانده می‌شد که کانون فعالیت‌های بازرگانی نیز بود و یهودیان و کنیسه‌های^۱ آنها، تابع راس الجالوت^۲ بین‌النهرین بودند و به ندرت از جانب خلفا و حکام وقت با تزییق و محدودیت مواجه می‌شدند (تودلایی، ۱۳۸۰: ۱۲۶). به علاوه بخش‌هایی از شهر اصفهان، با وجود این که یهودیان دیگر در آنجا سکونت نداشتند، هم چنان به اسم آنان خوانده می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲/ ۴۰۹؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵/ ۴۰۸). مقارن پایان عهد آل بویه در اصفهان بیش از دویست صراف وجود داشت، که اغلب یهودی بودند (ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۱۱۶). هم چنین در این

۱- عبادتگاههای یهودیان

۲- بالاترین مقام مذهبی یهودیان؛ (رئیس جالبه یهود که مسئول امور دینی جماعات قوم بود).

شهر اطلاعاتی درباره فعالیت آنها در صنایع دستی (حجامی، دباغی، نساجی و سلاخی)، موجود می‌باشد (اشپولر، ۱۳۶۹: ج ۱/ ۳۹۵). همچنین مناطقی از جنوب ایران به ویژه شهر اهواز از دیگر کانون‌های سکونت یهودیان بوده که در مشاغلی چون بانکداری (جهبذ یا گهبذ)^۱ و خرید مالیات شهر یا ایالت («ضامن») مشارکت داشتند (الدوری، ۱۹۷۴: ۹۲-۱۸۳). اقامت پیشه‌وران غیرعرب در شهرهای اسلامی و اشتغال آنان به پیشه‌ها و حرفه‌های گوناگون، منجر به انتقال روشها و سنت‌های فنی آنان به درون جامعه اسلامی گردید (سعید الشیخلی، ۱۳۶۲: ۵۵). محله‌های بغداد نمونه‌ای از محله‌های عموم شهرهای عربی-اسلامی بودند. صاحبان هر حرفه یا شغل در یک دروازه یا یک کوی و برزن که به نام آن حرفه شهرت داشت، گرد می‌آمدند. هم چنین در بغداد محله‌هایی بودند که به یک صنعت از صنایع اختصاص داشت: محله شوشتریها (تستریها) در بخش غربی بغداد، محل سکونت اهل شوشتر بود که در آن جامه‌های شوشتری به عمل می‌آمد (همان: ۶۰، ۶۱). برخی از اقوام و گروهها در امور تجاری، فعالیت بیشتری داشته‌اند که یکی از آنها، یهودیان بوده‌اند. جامعه یهود در گذشته در هر ناحیه‌ای که بودند به امور بازرگانی روی می‌آوردند. مدارک فراوانی از وجود تجار یهودی در بخش‌های شرقی ایران از جمله سیستان و افغانستان کنونی و سند وجود دارد. باسورث که درباره تاریخ سیستان کار کرده است نوشته: «کتیبه‌های یهودی-فارسی تنگ آژاقو، در مشرق هرات که در سال‌های ۳-۷۳۲م/ ۱۵-۱۱۴هق نوشته شده و اشارات طبقات ناصری جوزجانی به پیوستگی‌های یهودیان با نخستین سرکردگان دودمان شَنَسِبیان غور دارای جوهری از حقیقت تاریخی است. بنابر شواهد تردید ناپذیر فعالیت یهودیان در خراسان و بخش‌هایی از افغانستان حکایت از آن دارد که احتمالاً در زرنگ و بست نیز جمعیت یهودی به سر می‌بردند. چنان که چنین جمعیتی در هرات، بلخ و غزنه نیز بودند. راههای بازرگانی که از سیستان و رنج می‌گذشت و ایران را به حواشی هند پیوند می‌داد که از دلایل استوار حضور یهودیان در این نواحی است» (باسورث، ۱۳۷۰: ۳۲).

۱- کارشناس مسائل پولی-بانکدار؛ گهبذها یا گهبذها افرادی بودند که در دیوانهای گوناگون و بیت المال به ویژه در دیوان خراج، حساب‌های روزانه و سالانه امور مالی یعنی دخل و خرج‌ها را ثبت و ضبط می‌کردند و هر چه حکومت دچار ضعف بیشتری می‌شد دایره قدرت آنان افزایش می‌یافت. گهبذهای یهودی در امور مالی دولت، خلفا و امیران بویه گویا نقش داشته‌اند (الدوری، ۱۹۷۴: ۹۲، ۱۸۳، ۱۸۷).

جامعه اسلامی (عهد عباسی) در خلال قرن دوم هجری به نحوی تحول یافت که بازرگانی از مهم‌ترین ارکان زندگی اقتصادی گردید و مقام اول را در تجارت جهانی کسب کرد. این رشد تحت تاثیر عواملی چون: پیشرفت در تمدن و مظاهر شکوه و رفاه موجود در آن، گسترش قلمرو دولت و استقرار آن، توسعه راههای ارتباطی زمینی و دریایی و تراکم موجودیهای نقدی از جمله آنها بودند. فعالیت اقتصادی - کشاورزی، بازرگانی و صنعتی - را نیز که خود موجب جذب مقادیری هنگفت از طلا می‌شد باید به این عوامل افزود (سعید الشیخلی، ۱۳۶۲: ۱۲، ۱۳). از آثار نهضت بازرگانی این دوره (دوره عباسیان)، پیدایش شیوه‌های در معاملات مالی بود که به این نهضت بزرگ امکان می‌داد تا ثروتها را بین شرق و غرب به جریان اندازد و از وسایل مطمئنی برخوردار گردد و آن ظهور نظام بانکی بود. بنگاههای مالی یا شرکت‌هایی که به کمک گروهی از صرافان پدید آمد قادر بودند عملیات صرافی را تا حد پذیرش امانتها توسعه دهند، آن گاه بازرگانان و گروهی از صاحب منصبان و وزرا و خلفا نیز با آنها به معامله پرداختند. کار این صرافان منحصر به قبول امانتها نبود، بلکه به پرداخت پول توسط سفته، نه به صورت نقد، مبادرت می‌کردند. هدف از این عمل آن بود که حمل اموال از جایی به جایی دیگر، بدون برخورد با خطرهای موجود در راهها که موجب خوداری از پرداخت پول در اماکن دور می‌گردید انجام پذیرد. این روش برای تسهیل و تسریع امور بازرگانی در دولت عباسی بسیار مفید بود (همان: ۱۳).

اقلیت‌های دینی هر دوره‌ای اغلب با محدودیت‌هایی مواجه بوده و نمی‌توانستند در تمام عرصه‌ها نقش و مشارکت داشته باشند. لذا ترجیح می‌دادند در عرصه‌هایی که با محدودیت کمتری مواجه بوده نقش، و مشارکت داشته باشند. دوره آل بویه به دلیل شرایط سیاسی و مدیریتی حاکم، فضا و شرایط مناسبی برای فعالیت ادیان غیر اسلامی در برخی عرصه‌ها (از جمله عرصه اقتصادی و ...) فراهم آورده بود. میزان نقش و مشارکت و کامیابی آنها در این عرصه با توجه به شرایط تاریخی و موقعیت اجتماعی شان به شکل‌های متفاوت بوده است. نقش، اقدامات و اصلاحات آنها در کنار امرا و وزرا و ... در بخش‌های مختلف این عرصه، به ویژه در زمان اوج قدرت آل بویه به دلیل ثبات سیاسی و امنیتی و ... مفید بوده و منجر به رشد (از جمله در عرصه اقتصادی به صورت نسبی) گردید. اما زمانی که دولت آل بویه به

دلایل مختلف (متمکز نبودن حکومت شان، جنگ‌های داخلی، مالیات‌های گزاف، امرای نالایق و ...)، دچار ضعف شد رکود اقتصادی و به دنبال آن نارضایتی مردم و سقوط دولت آل بویه را تسریع کرد. از جمله کسانی که در این دوره در این عرصه نقش و مشارکت داشتند، یهودیان بودند که اغلب به بازرگانی خارجی و یا به صرافی یا بانکداری می‌پرداختند. آنها کالاها و مواد مورد نیاز را به صورت خرده و یا عمده از راه دریا و یا خشکی به بازار تزیق می‌کردند و اکثراً، حمل و نقل کالا و داد و ستد به وسیله آنها صورت می‌گرفت. در این دوره، صرافان یهودی اتحادیه‌ای مخصوص خود تاسیس کرده بودند و این نظر را چند عامل تایید می‌کند: زیرا نوعی از آداب و تشکیلات حرفه‌ای مانند موروثی بودن شغل میان آنها مشاهده می‌کنیم. فرزندان صرافان معمولاً حرفه پدران خود را به ارث می‌بردند و وابستگی و انتساب به صرافی و جهیده نیز امری رایج بود. بنابراین، تشکیلات بازرگانان و صرافان و گروه بندی آنها بسا در آماده کردن و برانگیختن کارگران و صنعتگران به گروه بندی و همکاری بین آنها می‌توانست مؤثر بوده باشد (همان: ۱۵، ۱۶). یکی از امتیازات اتحادیه‌های اسلامی (از جمله اتحادیه پیشه‌وران و ...) این بوده که افراد معتقد به مذاهب و ادیان مختلف را در بر می‌گرفتند و در آنها به روی مسلمانان و اهل ذمه گشوده شده بود (همان: ۱۳۳). از مظاهر تجمع بازرگانان، همکاری میان آنان بود که علی‌رغم عرب و غیر عرب بودن و مسلمان و ذمی بودن آنان صورت می‌گرفت و بنا بر رسمی که میان آنان متداول بود هرگاه یکی از آنان ورشکست می‌شد گروهی از بازرگانان می‌کوشیدند تا سرمایه‌ای دیگر برای او فراهم آورند. هم‌چنین برخی از آنان برخی دیگر را از فراوانی و کمبود کالاهایی که داشتند آگاه می‌کردند. گفته شده که (در سال ۹۱۰/۵۲۹۸م) بازرگانان «رقه»^۱ به دوستانشان در بغداد نامه نوشتند و آنها را از عدم وجود روغن زیتون در آن جا آگاه ساختند و به آنها گوشزد کردند هر چه روغن زیتون در بغداد یافت می‌شود خریداری کنند (همان: ۱۴، ۱۵). یهودیان به حرفه دباغی، زرگری، آهنگری، حریر بافی و شیشه‌گری اشتغال داشتند. علاوه بر اینها، صرافی بود که سودهای کلان از آن می‌بردند. بسا یهودی آشنا به یک حرفه که بر مسلمان بی‌اطلاع از آن ترجیح داشت. هم‌چنین مسلمانان،

۱ - شهر یا استانی که در کشور سوریه امروزی واقع بود.

صنعتگران اهل ذمه را به کار می‌گرفتند و از آنها در کارهای خود یاری می‌جستند. حتی در برخی از اصناف اکثریت با غیر مسلمان (اغلب مسیحی و یهودی) بود، مانند صنف پزشکان و جواهر فروشان (همان: ۱۸، ۱۹، ۳۱). در این دوره یهودیانی چون یوسف بن فنحاس و هارون بن عمران به عنوان بانکدار اهواز مشغول فعالیت بودند. یعنی پولی از پیش به دولت می‌دادند تا پس از وصول مالیات‌های اهواز از آن بهره برداری کنند. هرگاه از آنها وام برای دولت می‌خواستند معمولاً عذر می‌آوردند به این که، طلب کار یا سپرده سر رسیدار زیادی دارند و نمی‌توانند بپردازند. این دو بانکدار و نیز زکریا بن یوحنا، جَهَابَدَةُ الحَضْرَه نامیده می‌شدند و آن را در نامه‌های دولتی پس از کنیه و نام شان می‌افزودند. همچنان که به تصریح برخی مورخین، تجار شوشتر - مهم ترین مرکز تولید فرش، گلیم و زیلو در ایران -، بیشتر از صرافان یهودی بوده‌اند. به غیر از امر تجارت، حرفه اصلی یهودیان در فعالیت‌های اقتصادی صرافانی بوده است (القصبی، ۱۴۲۱هـ.ق: ۲۷، ۵۸؛ طبری، ۱۳۵۴: ج ۱۶/ ۶۸۵۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱/ ۳۳۸؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵/ ۳۴۲، ۴۰۸). به طوری که آنها در زمینه توسعه بازرگانی خارجی و شکوفایی تداول ورقه تعهد (= چک، الصک) و برگ حواله (= سفته، السفتجه) و پرداخت و کاربرد آنها در فعالیت‌های تجاری، نقش اساسی داشته‌اند (ناصر خسرو، ۱۳۷۳، ۲۵۳؛ لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۱/ ۱۲۲). اغلب یهودیان این دوره سرگرم تجارت خلیج فارس با هندوستان و بین‌النهرین بودند (کمبریج، ۱۳۸۷: ج ۴/ ۲۸۱ - ۲۸۲). بازرگانان با استفاده از ارتباطی که در میان آنان بود در تاسیس بنگاههایی برای بازرگانی شرکت می‌جستند. سرمایه این مؤسسات متکی بر وامهایی بود که از شرکاء گردآوری می‌شد. یهودیان بغداد در قرن چهارم هجری اقدام به ایجاد چنین شرکت‌هایی کرده بودند. این شرکت‌ها علاوه بر قبول سپرده، وام نیز می‌پرداختند و در برنامه‌ریزی‌های بزرگ تجاری و صنعتی شرکت می‌کردند. کاروانهای بازرگانی بین شهرها و در پهنه صحراها راه می‌انداختند و سفرهای دریایی از این سو به آن سوی خلیج فارس ترتیب می‌دادند. همچنین تجارت برده به عنوان پر رونق‌ترین کالای تجاری، یکی دیگر از مهمترین جنبه‌های تجارت یهودیان محسوب می‌شد. تجار یهود، به تهیه بردگان از آفریقا، شرق و یا غرب اروپا و فراهم کردن وسایل رفاه و تنعم از خاور دور می‌پرداختند (سعید الشیخلی، ۱۳۶۲: ۱۵). تاجران

یهودی که از ایالات پروانس^۱ فرانسه می‌آمدند با لفظ مجرد و مطلق «تاجران دریا» نامیده می‌شدند. طبق نوشته‌های اسلامی، آنها از مشرق تا مغرب و برعکس، در خشکی و دریا سفر می‌کردند. از مغرب برده، کنیز و غلام، دیبا، پوست خز، سمور و شمشیر آورده و به هند و چین و سند می‌بردند. از چین مشک، عود، کافور، دارچین و اشیاء دیگر حمل می‌کردند. با مال التجاره‌های خود به قسطنطنیه (اسلامبول) می‌رفتند و گاهی از آنجا رهسپار فرنگ می‌شدند. از فرنگ به بغداد و از آنجا از راه دجله به ابله (شهری نزدیک بصره)، از ابله به عمان، سند و هند و چین باز می‌گشتند. این بازرگانان بین‌المللی یهودی به نام راذانیه (راهدانان) مشهور بودند. اینان به زبان‌های عربی، فارسی، صقلی (ترکی)، رومی، فرنگی، اندلسی و اسلاوی، آشنایی داشتند. از قرن چهارم هجری به بعد ذکر از این تجار - که جای خود را به تجار شامی سپردند - در میان نیست. تجار شامی مذکور تا قرون وسطی در حوضه رود رن^۲ سکنی گزیدند و اهمیت یافتن و رشد تجارت آنان، دیگر رقبای تجاری را از حوضه‌های دریایی بیرون راند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۲۸-۱۲۹؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۰۷، ۲۷۰؛ الدوری، ۱۹۷۴: ۱۸۷؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ج ۳/ ۷۸-۷۹ - ۸۰).

۲- مسیحیان

مسیحیان به عنوان یکی دیگر از اقلیت دینی دوره آل بویه در ایران، به مانند یهودیان، اغلب در مراکز و شهرستانها (در نواحی عراق، فارس، خوزستان، کرمان و آذربایجان) و به ویژه در غرب ایران به خصوص در بین‌النهرین سکونت داشتند. اینان نیز با توجه به دیدگاه مداراگرانه آل بویه از موقع مهمی در امور اقتصادی بهره‌مند بودند. به ویژه در میان کارگزاران اداری، نام افراد گوناگونی از مسیحیان در منابع این دوره مشاهده می‌شود. اما مهم تر از همه اولین کاتب علی عمادالدوله، ابوسعید اسرائیل نصرانی، که عمادالدوله می‌پنداشت شاید از بخت اوست که به پادشاهی رسیده است (متحده، ۱۳۸۸: ۱۰۱). در جامعه عربی اسلامی بسیاری از صنعتگران رومی به بنایی و مهندسی و مسیحیان در حرفه‌های مختلف اشتغال داشتند و برخی از آنها عطار، صراف، پزشک و زرگر و یا برخی به کارهای ساختمانی

۱- porvance

۲- رودی در کشور فرانسه

نیز می‌پرداختند (سعید الشیخی، ۱۳۶۲: ۱۸، ۱۹، ۳۱). مسیحیان بیشتر تاجر، بازرگان، پیشه‌ور، کسبه، خزانه‌دار، بودند و از طرف دستگاه حکومتی بر مخارج دربار و ضرب مسکوکات نظارت می‌کردند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶/ ۱۵۹). از جمله مناصب اقتصادی که مسیحیان در آن نقش و مشارکت داشتند، دیوان هزینه بود که در زمان معزالدوله، در دست ابوالفضل عباس بن حسین شیرازی و خزانه‌دار، ابوعلی حسن بن ابراهیم شیرازی (مسیحی) بود. متصدی دیوان هزینه در زمان عضدالدوله، از آن ابوعلی مکیخی (مسیحی) بود و در زمان پسرش صمصام الدوله نیز همین سمت را عهده‌دار بود (همان: ۱۵۹؛ اشپولر، ۱۳۶۹: ج ۱/ ۳۸۹). به نظر می‌رسد مسیحیانی که توانسته بودند در دربار آل بویه نفوذ کرده و صاحب نقش و جایگاه مهم در عرصه اقتصادی باشند، بیشتر آن دسته از مسیحیانی را شامل می‌شد که به خاطر منافع شخصی و یا کسب جایگاه‌ها از دین رسمی خود دست کشیده و اسلام را قبول کرده‌اند. در زمینه اقتصادی موفقیت بزرگی که برای مسلمین در قرن چهارم هجری حاصل شد، گشودن راه تجاری روسیه در شمال بود، هر چند پیش از آن نیز بعضی ارتباطات بین بلاد روسیه و ممالک اسلامی وجود داشته است. ابن خردادبه مسیر تجار روس را به سوی بلاد مسلمین چنین وصف کرده است: «تجار روس که از جنس صقالیه‌اند پوست روباه سیاه و خز و شمشیر از دورترین نقاط اسلاوی به دریای روم می‌آورند. فرمانروای روم عُشریه‌ای^۱ از آن می‌گیرد و سپس در تنیس^۲، به رود صقالیه وارد می‌شوند و از خلیج شهر ناحیه خزر گذر می‌کنند. حاکم خزر از آنها ده یک می‌ستاند، آن گاه به سمت دریای گرگان می‌رانند و در هر قسمت از ساحل آن که دوست دارند پیاده می‌شوند. و گاهی نیز مال التجاره خویش را از گرگان بر پشت شتر به بغداد حمل می‌کنند. بندگان صقالیه‌ی ترجمان ایشانند، می‌گویند مسیحی هستیم و جزیه می‌دهند» (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۲۹). همچنین بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی مسیحان در مناطقی چون بغداد، بصره، عمان و بندر سیراف^۳ متمرکز بود. به طوری که تجار مسیحی از چین و هند گرفته تا سودان و افریقا دائم

۱- نوعی مالیات تجاری که یک دهم آن پرداخت می‌شد.

۲- همان شهر تانا است که در کنار دریای آزوف واقع بوده و محل عبور تجار و بازرگانان ونیزی به سوی آسیای میانه بوده است.

۳- یکی از بنادر اصلی صادرات و واردات کالا از ایران به دورترین نقاط تجاری جهان در عصر آل بویه در نزدیکی شهر شیراز بوده و در زمینه نظامی نیز از آن استفاده می‌شده است. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶/ ۲۷۰).

در سیر و سفر بودند. از هند الماس و یاقوت، از حبشه عاج و عقیق، از نیشابور که به جاده ابریشم متصل می‌شد، عطر و فیروزه و از فارس پارچه‌های کتان همراه می‌بردند. انواع بافته‌ها و پارچه‌ها را از بلاد ایران و اقسام پوستها را از بلاد روس و ماوراء النهر می‌آوردند. کشتی‌ها که از بنادر مجاور تَغرها^۱ می‌گذشتند عُشری از بهای کالای خویش را به عمال خلیفه یا امرا می‌دادند. بازرگانان یک ولایت وقتی متاع خویش به ولایت دیگری می‌بردند چیزی به عنوان «مکس»^۲ می‌پرداخت. مبلغ مالیات مکس با توجه به مسلمان یا غیر مسلمان تاجران متفاوت بود. مکس از بازرگانان مسلمان در هر چهل درهم یک درهم و از اهل ذمه از هر بیست درهم یک درهم اخذ می‌شد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۰۷، ۲۷۰؛ موید ثابتی، بی‌تا، ۱۲-۱۳). در این دوره افراد سرشناس و پرنفوذ در شهرها از جمله در مناطق غربی و جنوبی ایران (فارس، خوزستان و کرمان)، که غالباً مسیحی (مسیحیان یعقوبی) و یا یهودی بودند، به علت داشتن مشاغل طبابت، قضاوت، تجارت، بانک داری و صرافی، عموماً از پیامدها و تبعات ناشی از رکود اقتصادی در امان بودند. آنها در عین می‌توانستند از این اوضاع آشفته نیز سود ببرند. چرا که از طریق اقطاع^۳، خود اقدام به دریافت وام یا حواله می‌کردند (هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ج ۱/ ۲۱۴). در عرصه اقتصادی (تجارت و بازرگانی) یهودیان و مسیحیان به علت داشتن شم اقتصادی بالا و عوامل مختلف دیگر، توانایی آن را داشتند تا متناسب با آن شرایط (رکود یا رشد اقتصادی)، اقدام مقتضی که منافع آنها را در هر شرایط در این عرصه را تامین نماید، انجام دهند. آنها به خاطر ثروت و قدرت اقتصادی شان می‌توانستند نفوذ زیادی در بازار و در میان حکمرانان و بزرگان آن عصر داشته باشند و در موقعیت‌ها و شرایط مختلف به ویژه زمانی که جوامع یا حکومتی به دلایل مختلف دچار رکود اقتصادی می‌شدند و نیاز مبرمی برای حمایت مالی پیدا می‌کردند آنها از طرق و شیوه‌های مختلف به یاری آنها می‌شتافتند.

۱- مرزها

۲- نوعی مالیات نامرسوم بر تجارت

۳- زمین‌هایی که حکام این دوره به نظامیان (به ویژه امرای بزرگ)، خاندان سلطنتی و ... به منزله حقوق در مقابل خدماتشان (گاهاً به صورت ارثی از پدر به پسر منتقل می‌شد) واگذار می‌کردند، اطلاق می‌شد.

ب: نقش زرتشتیان در زمینداری و مالکیت

آیین و مذهب ایران قبل از اسلام زرتشتی بوده است و زرتشتیان این دوره از لحاظ موقعیت سیاسی و اجتماعی و ...، نسبت به دیگر اقلیتها از وضعیت مناسب تری برخوردار بودند. آنها با توجه به محل سکونتشان و موقعیت سیاسی و اجتماعی که داشتند، در مقابل دین جدید (اسلام) واکنش نشان دادند. به طوری که زرتشتیان نواحی غربی به علت نزدیکی و تماس با اعراب، زودتر و آسان تر از دیگر نقاط ایران، دین جدید را پذیرفتند. مناطقی از شمال، شرق و جنوب ایران، به علت موقعیت سیاسی و جغرافیایی خاص (صعب العبور یا دور بودن) و مناطقی هم به علت غالب بودن آداب و رسوم زرتشتیان، قرن‌ها طول کشید تا دین جدید در آنجا غلبه یابد. در پذیرش دین جدید (اسلام)، زرتشتیان به چندین روش عکس العمل نشان دادند: عده‌ای به خاطر مقام و منصب و ...، و عده‌ای به خاطر ظلم و ستمی که از معان زرتشتی (روحانیون زرتشتی)، حاکمان و ...، بر آنها روا داشته شده بود، به ناچار یا با علاقه حاضر به قبول دین جدید شدند. عده‌ای مقاومت کرده و کشته می‌شدند و یا جلائی وطن اختیار کرده و به سرزمین دیگری (هند) مهاجرت کردند تا در آیین خود پا برجا بمانند (ابن بلخی، ۱۳۶۷: ج ۱/ ۱۱۵؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۷۶، ۴۲۲، ۴۲۶). در دوره ساسانی با شکل گیری حکومتی مبنی بر اندیشه زرتشتی گری و توجهی که این آیین به کشاورزی و زندگی روستایی داشت، کشاورزان وظیفه داشتند کشت و زرع کنند و جهان را آبادان و از نظر آذوقه تامین کنند (مینوی خرد، ۱۳۸۵: ۴۸). علت اهمیت دیوان آب در عصر ساسانیان بیشتر به مسائل ساخت کاریز و دریافت مالیات بر می‌گشت که اساس اقتصاد ساسانیان را تشکیل می‌داد. هم چنین قنات‌ها در توسعه شهرهای ساسانی اهمیت داشتند (گوبلو، ۱۳۷۱: ۱۲۳). علت این که زرتشتیان به این حرفه‌ها روی آورده این بوده که اینها، حرفه پیشه‌وری و صنعتگری را پست و پایین می‌شمردند و این عقیده در ادبیات پهلوی آنها به صورت منفی انعکاس یافته است (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۴۸-۴۹).

مقارن ظهور اسلام، فعالیت زرتشتیان در زمینه اقتصادی، در بعضی از نواحی و ایالات ایران به صورت کشاورزی و زراعت بوده است. در ایالاتی هم چون خوزستان، شمار زیادی از گروه‌های دینی و نژادی سکونت داشتند: از جمله زرتشتیان که در کنار جمعیت‌های بزرگ

یهودی و مسیحی، زندگی می‌کردند و به کار کشاورزی مشغول بودند. در حقیقت، بعضی از زرتشتیان که مدتی طولانی در خوزستان اقامت داشتند، به دلیل مقاصد تجاری، دو زبان یا سه زبان را یاد گرفته و به زبان‌های فارسی میانه، آرامی و حتی شاید کمی عربی تکلم می‌کردند. بنابراین بومیان (زرتشتیان) برای برقراری روابط اداری و تجاری با تازه واردان (مسلمانان)، از این مهارت‌ها استفاده کردند. در ایالاتی مانند خوزستان و آذربایجان، بیشتر زرتشتیان به صورت مأمورین مالیاتی از طرف حکومت برای گردآوری مالیات به خصوص در روستاها گمارده می‌شدند (فرای، ۱۳۵۸: ۱۵۷، ۲۲۹). در این دوره، سکونتگاه زرتشتیان در ولایت فارس (شیراز) جایگاه ویژه‌ای داشت و آداب و رسوم آنها در آنجا آشکارتر بوده و آتشکده‌های بسیاری در اینجا وجود داشته است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۵). به نوشته مقدسی «زرتشتیان در این شهر تا حدودی آزادی عمل بیشتری در انجام مراسم خود داشتند بدون این که همچون دیگر شهرها مورد آزار و اذیت قرار گیرند. مجوسان^۱ در آنجا بی‌نشانه راه می‌روند، طیلسان پوشان^۲ را حرمت ندارند. آداب گبران^۳ در آن جا به کار برده می‌شود. در جشن‌های کافران، بازارها آذین بندی می‌شود و مالیات بر دکانها سنگین است. کشتزارها با دولاب سیراب می‌شوند. دو چارپا از تنگی در بازار نتوانند رفت. مردم مرفه و بازرگان، با بیگانگان مهربان هستند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲/ ۶۳۰-۶۴۰-۶۴۱). از روستایی در یک منزلی بین کاشان و قم که زرتشتی بوده و دیگران با ایشان آمیزش نداشته‌اند نیز یاد شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۴۳). ابن حوقل در جای دیگر آورده است: «تنها از طریق دیوان می‌توان بر آنها آگاه شد» می‌تواند به این نکته رهنمون سازد که نام این آتشکده‌ها و پیروان آنها برای پرداخت مالیات و جزیه سرشماری ثبت شده بوده است. ابن حوقل از نامدارترین آتشکده‌ها مانند کاریان، بارین در جور، سیوخشین در شاپور، جنبذ کاوسن در مقابل ساسان، جفته و کواذان در کازرون، کارنیان و هرمزد در نیشابور نام می‌برد. زرتشتیان در مقام تاکید به برخی از این آتشکده‌ها سوگند می‌خورده‌اند» (همان: ۴۳). در اصفهان هم

۱- زرتشتیان

۲- مردان دانشمند و عالم

۳- آتش پرستان - زرتشتیان

آتشکده‌هایی از زرتشتیان بوده است (همان: ۱۰۹). از آنجا که به گزارش منابع، آتشکده‌ها، اراضی وسیع و بسیاری در تملک خود داشتند، معمولاً آنها را برای کشت اجاره می‌دادند (پریخانیان، ۱۹۸۳م: ۶۷). از جمله اقدامات و تلاشهایی که در زمینه اقتصادی (مالکیت و زمین داری) در دوره آل بویه صورت گرفته، بیشتر از جانب امرایی چون رکن الدوله و عضدالدوله دیلمی و به تشویق وزرایشان بوده است. فعالیت‌های آنها در امر سد بندی، ایجاد و اصلاح کاریزها و قنوات، گسترش و آبادانی راههای کشاورزی و دامی، پیشرفت و اصلاح محصولات زراعی و باغ داری و آبادانی زمین‌های مزروعی، در نقاط مختلف به ویژه در شهر شیراز (سد رکن آباد توسط رکن الدوله و بند امیر توسط عضدالدوله)، سند گویای آن به شمار می‌رود (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۷؛ خورمچی، ۱۳۸۰: ۶۹؛ مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۲۵). اقدامات و اصلاحات امرای مذکور و وزرای آنان در این عرصه، زمینه را برای ایفای نقش و فعالیت زرتشتیان فراهم ساخت. از جمله این زرتشتیان که در دربار امرای بویه حضور داشت، ابونصر (ناصر) خواشاده مجوسی، خزانه دار عضدالدوله دیلمی در بغداد بوده است (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۱۵/ ۱۴۱). به نظر می‌رسد زرتشتیان، قبل از ورود اسلام کشاورزی، زمین و ... را مقدس می‌شمردند و این ریشه در عقاید و باورهای آنها داشته و به همین منظور، آتشکده‌ای هم مخصوص کشاورزان به نام آتشکده برزین مهر که در شمال غربی نیشابور قرار داشت. آنها پیشه و حرفه پدران خود را نسل به نسل قرن‌ها بعد از ورود اسلام و تا دوره آل بویه نیز ادامه داده بودند. با توجه به منابع و ماخذی که در این دوره و نزدیک به آن نوشته شده، محل سکونت اکثریت زرتشتیان را در ایالات و نواحی و روستاهایی که مستعد برای این عرصه بوده ذکر می‌کنند. آنها در زمین‌های مزروعی چه به صورت اقطاع و یا اجاره و یا به شکل ملک شخصی خود، دارای نقش و مشارکت بودند. علاوه بر آن عده‌ای از آنها توانسته بودند به دربار آل بویه راه یابند و به مناصب مهمی نیز دست یافته و مؤثر باشند.

ج: جایگاه صابئیان در صنعت و حرفه‌های کارگاهی

صابئیان مندائی قومی آرامی زبان بودند که از حدود ۲۰۰۰ سال پیش تحت تعلیم حضرت یحیی (ع) تعمید دهنده قرار گرفتند. صابئین یا همان به اصطلاح صبی‌ها، که همواره مورد آزار و اذیت سرزمین مادری خویش (فلسطین) بودند، ایران را سرزمینی امن

برای سکونت یافتند. مهاجرت آنان به ایران مقارن با حکومت اشکانی دانسته شده که بعد از یهودیان، قدیمی‌ترین مهاجران غیرآریایی هستند که از فلسطین به ایران آمدند. دین و جغرافیا دو عامل مهم در سرنوشت و ادامه حیات صابئین مندایی محسوب می‌شود. هم چنین آن دو، رونق و توسعه هنر صابئیان مندائی را نیز موجب شده است. از این رو حرفه آنها با رویکرد مذهبی و اقلیمی عجین گشته است. الهام بخش هنرمند صبی شد. از آنجا که دین صابئین بر پایه غسل تعمید بنا شده است و باید این غسل در آب جاری انجام گیرد، پیروان این دین بعد از مهاجرت از فلسطین به هر کشوری که رفتند، مجاورت با آب‌های جاری را برگزیدند. گروهی از صابئین که به ایران مهاجرت کردند در کنار رود عظیم کارون در خوزستان ساکن شدند. این جمعیت که در اهواز سکونت داشتند، زرگری را به عنوان شغل اصلی خود انتخاب کرده بودند. طلاسازی صابئین مندایی با نوعی میناکاری به رنگ سیاه ترکیب می‌شد و نقوش حک شده بر روی این جواهرات معمولاً نخل، رود، قایق، کشتی، آهو، شتر، ایوان مدائن و گنبد را در بر می‌گرفت (میثاقی، مرادمند، ۱۳۸۱: ۱۲۳). آن چه از قراین و شواهد بر می‌آید علت مهاجرت آنها این بوده که، بعد از ۶۰ سال از وفات حضرت یحیی (ع)، مندائیان بر اثر زد و خوردهای شدیدی که با یهودیان داشتند، دیار و وطن اصلی خود فلسطین را رها کرده و به سوی جلگه بین‌النهرین که یکی از بلاد امپراطوری ایران در زمان اشکانیان بود، مهاجرت کردند. البته این مهاجرت با توافق پادشاه ایران، اردوان سوم اشکانی، و تحت حمایت او انجام گرفت. صابئیان به عنوان یکی دیگر از اقلیت‌های دینی دوره آل بویه در ایران در تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب گذشته و با توجه به محیط طبیعی و اقلیم محل سکونت شان دارای حرف و مشاغل گوناگونی بوده‌اند. آثار به جای مانده نشان می‌دهد که هنرمندان و صنعتگران آن سرزمین‌ها در هنر فلزکاری و ایجاد نقوش روی فلزات مهارت بسیار داشتند. بنابر این احتمال دارد که صابئین مندایی تحت تاثیر هنر سرزمین‌های مختلف که سالیانی در آنها زیسته‌اند، قرار گرفته و هنر و صنعت فلزکاری را که هنر خاص آن سرزمین‌ها بوده، خود به همراه آورده و زمانی که به ایران رسیدند با حمایت اشکانیان که علاقه فراوانی به جواهرات و آثار زرین و سیمین داشتند، این هنر و صنعت را با روشی مختص خود طی سالیان متمادی ادامه دادند (برنجی، ۱۳۶۷: ۹-۸۳؛ مطیعی، نجفی

پور، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۹؛ خمیسی، ۱۳۸۳: ۳۲). مجموع نفوس مندائیان در عراق و ایران به هشت هزار تن می‌رسید، و در ایران غالباً در خوزستان و کنار رود کارون و شط العرب و در عراق در کنار دجله و فرات و دیاله^۱ مسکن داشتند، و غالباً به زرگری و قفل‌سازی مشغول بودند (بیرونی، ۱۳۶۳: ۵۰۸). گروهی از صابئیان به کارهای آهنگری از جمله به ساختن کارد و چاقو اشتغال داشتند؛ و نیز ساختن قایق‌های باربری و مسافرتی و ماهی‌گیری دیگر از اشتغالات آنها بود. مخصوصاً در فن سیاه‌قلم دستی توانایی داشتند. آنها در کارهای خود سعی می‌کردند هنر و ظرافت را نشان دهند (ممتحن، ۱۳۳۷: ۸۲). طرحها و نقش‌هایی که هنرمندان صابئی روی آثار خود خلق می‌کردند برگرفته از اعتقادات مذهبی و نبوغ‌شان بوده، که حتی در صناعات و حرفه‌های دستی آنها نیز به وضوح می‌توان مشاهده کرد. از فعالیت صابئیان در زمینه اقتصادی در دربار آل بویه گزارش نشده است، و احتمالاً این به معنی آن نیست که آنها با دربار ارتباطی نداشته‌اند. چرا که به نظر می‌رسد آنها سفارشات و مشتریانی هم از درباریان و امرا نیز داشته‌اند که برای هنرها و صناعت این گروه به خاطر ظرافت و مهارتشان، ارزش بسیاری قائل بودند. (میثاقی، مرادمند، ۱۳۸۱: ۱۲۲). صنعت نقره و مینا کاری را می‌توان شغل اجدادی و باستانی قوم صابئین دانست. چرا که اینان پیش از حضور در جلگه خوزستان، در محلی در فلسطین امروزی به نام «مدیان» زندگی می‌کردند که این واژه در زبان سریانی به معنی مرد نقره کار می‌باشد. صابئین را می‌توان مردمانی صنعتگر دانست و ایشان را نمی‌توان از طلای اهواز یا طلای صبی و میناکاری جدا کرد تا آنجا که در خوزستان برخی از مردم عامی از اصطلاح طلافروش برای خطاب و معرفی صابئین استفاده می‌کنند (مطیعی، نجفی پور، ۱۳۹۰: ۱۲۰). پیشوایان دینی صابئین سعی در پنهان نگاه داشتن آثار دینی و عقاید مذهبی‌شان داشتند. معرفت به خط و زبان، آثار و معارف دینی، در انحصار افراد معدودی از افراد صابئی بود و در طول تاریخ، حاکمان محلی در شناسایی این قوم بی توجه بودند. در مجموع همه این مساعی سبب ناشناخته ماندن صابئین شد (برنجی، ۱۳۶۷: ۱۱، ۱۳). به همین دلیل تحقیقات انجام شده درباره صابئین، به ویژه هنرهای آنها بسیار محدود است و این مسئله در مورد میناکاری، یکی از برجسته‌ترین و

اصلی‌ترین صنایع دستی آنها نیز وجود دارد (هوشیار، زاهدی فر، ۱۳۸۶: ۷۵). اشیاء قدیمی به صورت کاسه‌های سفالی که به خط آرامی آراسته شده‌اند (شامل سه ظرف سفالی بدون لعاب متعلق به قرن پنجم تا هفتم هجری که در شوشتر یافت شده‌اند) حاکی از آن است که صابئین در اوقات فراغت نیز به سفالگری می‌پرداخته‌اند و با این هنر صنعت نیز آشنا بوده‌اند (ممتحن، ۱۳۳۷: ۸۲). از هنر میناکاری مندایی، هنر استادکاران صابئی اهواز، قابل توجه بوده است. این هنرمندان در کارگاه‌های کوچک خود با وسایل و ابزاری که بر اساس توانایی و روش کار آنها انتخاب شده، به این حرفه و هنر مشغول و حتی در کارگاه خود به فروش آثار مینا کاری نیز می‌پردازند. طاق کسری مشهورترین بنای پادشاهان ساسانی، در کنار رود دجله برای صابئین که زمانی کنار این رود زندگی می‌کردند، علت استفاده از این نقش در مینا کاری آنها محسوب می‌شد. پل اهواز که با خطوطی ظریف، ترسیم و مینا کاری شده، سمبل شهر اهواز در آثار میناکاری هنرمندان این شهر جلوه می‌کرد. وجود مسجدها به صورت یک مسجد تک گنبدی یا مسجد دارای دو گنبد و یک مناره در آثار مینا کاری به دلیل شباهت آن به «مندی» (عبادت‌گاه منداییان) است که مانند مسجد مسلمانان گلدسته و محل عبادت داشت. ولی وجود مساجد مختلف در شهرهایی که صابئین در آن ساکن بوده‌اند و قرار گرفتن بعضی از مساجد کنار آب‌های جاری، علت اصلی انتخاب آنهاست (میثاقی، مرادمند، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶). اروپائینی که پیش از جنگ جهانی اول به مناطق بین‌النهرین آمده بودند، مندائی‌ها را «نقره کاران اماره» نامیده بودند که حاکی از تداوم فعالیت مندائیان در حرفه‌های کارگاهی و صنعتگری بوده است (عربستانی، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

نتیجه

از نظر اقتصادی، ساختار اقتصادی دولت آل بویه بر اساس سه مؤلفه کشاورزی و دامداری، صنعت و معدن و بازرگانی در قلمروی گسترده شکل گرفته بود که آنان به تدریج و در ظرف حدود ۳۰ سال بر آن دست یافته بودند. حاکمان دولت آل بویه با اتخاذ سیاست تساهل و تسامح مذهبی، سیاستی را دنبال کردند که علاوه بر حاکمان مسلمان، سایر ادیان دینی نیز در برخی عرصه‌ها حضور فعال و دارای نقش و سهم باشند. یکی از عرصه‌هایی که در این دوره نقش و جایگاه آنها را نمی‌توان انکار کرد، عرصه اقتصادی بوده است. در این

عرصه نقش حاکمان و وزرای بویه و ... در زمینه جذب سایر ادیان مذهبی در دستگاه حکومتی و دربار، ستودنی است. به طوری که با حمایت و تشویق آنها، نقش و جایگاه اقلیت‌های دینی نسبت به دوره‌های قبل بهتر شد و هر کدام از آنها با توجه به مهارت و توانایی که ریشه در سوابق تاریخی و اجتماعی شان داشته، به فعالیت پرداختند. نقش و مشارکت اقلیت‌های دینی در این عرصه، سبب شد تا دولت آل بویه از لحاظ اقتصادی، به دلایل مختلف از جمله ثبات و امنیت، بهبود راه‌های کشاورزی، و ... به رشد نسبی اقتصادی دست یابد. رشد اقتصاد هر جامعه یا دوره‌ای تا زمانی ادامه می‌یابد که ثبات داخلی و امنیت اقتصادی و ... در آن حاکم باشد. اما بعد از آن که دچار ضعف شد، (بعد از عضدالدوله) به دلایل مختلف داخلی و خارجی، اقتصاد این دوره دچار رکود و ورشکستگی شد و به دنبال آن اضمحلال دولت را شاهد هستیم.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۵۱)، *کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ج ۱۵، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران، شرکت چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن بلخی، حاج میرزا حسن حسینی فسائی، (۱۳۶۷)، *فارس نامه*، ج ۱، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسائی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ابن مسکویه رازی، ابوعلی مسکویه، (۱۳۷۶)، *تجارب الامم*، ج ۵ و ۶، ترجمه علینقی منزوی، تهران، انتشارات توس.
- ابن حوقل، (۱۳۴۵)، *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۰)، *المسالك و الممالک*، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، از روی متن تصحیح شده دخویه، تهران، ناشر مترجم.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۶)، *تاریخ ابن خلدون (العبر)*، ج ۳، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، (۱۳۴۹)، *مختصر البلدان*، ترجمه ح- مسعود، بی‌جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اشپولر، برتولد، (۱۳۶۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ج ۱ و ۲، ترجمه جواد فلاطوری، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- باسورث، ادموند، (۱۳۷۰)، *تاریخ سیستان*، ترجمه حسن انوشه، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- برنجی، سلیم، (۱۳۶۷)، *قوم زیاد رفته*، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، (۱۳۶۳)، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، امیرکبیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه دکتر محمد توکل، بی‌جا، نشر نقره.
- پریخانیان، آن‌اهیت گئورگی یونا، (۱۹۸۳ م)، *جامعه و قانون ایرانی*، مسکو، نائوکا، شعبه ادبیات شرق.
- تودلایی، بنیامین، (۱۳۸۰)، *سفرنامه رابی بنیامین تودلایی*، ترجمه ناطق مهوش، تهران، کارنگ.

- خورموجی، میرزا جعفرخان حقایق نگار، (۱۳۸۰)، *نزهت الاخبار*، تصحیح و تحقیق سید علی آل داود، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خمیسی، ساهی، (۱۳۸۳)، *صابئین قوم همیشه زنده تاریخ*، تهران، مؤسسه فرهنگی آیات.
- الدوری، عبدالعزیز، (۱۹۷۴)، *تاریخ العراق الاقتصادي فی القرن الرابع الهجری*، بغداد، مطبعه دارالمعارف.
- ر. ن. فرای، (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- سعیدالشیخلی، صباح ابراهیم، (۱۳۶۲)، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۵۴)، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک*، ج ۱۶، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- عربستانی، مهرداد، (۱۳۸۳)، *تعمیدیان غریب: مطالعه مردم شناختی در دین ورزی صابئین مندایی ایران*، تهران، افکار، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- فرای، ریچاردن، (۱۳۵۸)، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات سروش.
- القصبی، سعد بن عبدالعزیز، (۱۴۲۱هـ)، *اليهود فی عصر البویهی*، الرياض، الجمعیه التاريخیه السعودیه.
- گوبلو، هانری، (۱۳۷۱)، *قنات فنی برای دست یابی به آب*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم و محمد حسین پاپلی یزدی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس.
- لاپیدوس، ایراماروین، (۱۳۷۶)، *تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هیجدهم*، ج ۱، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، آستانه قدس رضوی.
- متحده، روی پرویز، (۱۳۸۸)، *اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه*، ترجمه محمد رضا مصباحی و علی یحیایی، مشهد، خانه آبی.
- متز، آدام، (۱۳۶۴)، *تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا (رئسانس اسلامی)*، ج ۱، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، انتشارات امیر کبیر.

- محمدی ملایری، محمد، (۱۳۷۹)، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عرب*، ج ۳، تهران، انتشارات توس.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۶۲)، *تاریخ گزیده*، عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.
- مشکوتی، نصرالله، (۱۳۴۹)، *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران*، تهران، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران.
- مطیعی، فروغ، نجفی پور، اکرم، «بررسی نقش جواهرات صابن‌سازان»، کتاب ماه هنر، (تیر ماه ۱۳۹۰)، شماره ۱۵۴.
- مقدسی بشاری، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۱ و ۲، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موید ثابتی، سید علی، (بی تا)، *تاریخ نیشابور*، بی جا، انتشارات انجمن ملی.
- میثاقی، مریم - مرادمند، فرناز، «میناکاری صابن‌سازان»، کتاب ماه هنر، (بهمن و اسفند ۱۳۸۱)، شماره‌های ۵۳ - ۵۴.
- ممتحن، حسین علی، «تحقیقی در احوال و مذاهب و رسوم صابن‌سازان عراق و خوزستان»، چاپ آفتاب، (۱۳۳۷)، ص ۸۲.
- ناشناس، (۱۳۸۵)، *مینوی خرد*، ترجمه احمد تفضلی، تهران، توس.
- ناشناس، (۱۳۵۴)، *مینوی خرد*، ترجمه احمد تفضلی، تهران، توس.
- ناصر خسرو، ابومعین حمید الدین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی، (۱۳۶۳)، *سفرنامه ناصر خسرو*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات زوار.
- ناصر خسرو، ابومعین حمید الدین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی، (۱۳۷۳)، *سفرنامه ناصر خسرو*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات زوار.
- هولت و دیگران، (۱۳۸۷)، *تاریخ اسلام کمبریج*، ج ۱، مترجم تیمور قادری، تهران، انتشارات مهتاب.
- هوشیار، مهران، زاهدی فر، سارا، «مینای صابن‌سازان، زیوری از جنس تاریخ»، آینه خیال، (آبان ۱۳۸۶)، شماره ۱.